

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سوم: ۱۸ / ۷ / ۹۲

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر-1)

مقدمه

بحث ما در موضوع اجتماعی قرآن قرار شد در سوره مبارکه حشر باشد. و در جلسه گذشته ارتباط آیات پایانی سوره مجادله با سوره حشر بیان شد.

بحث ما درباره خواص سوره حشر بود و روایاتی که در مورد خواص سوره حشر هست. عرض شد روایاتی که در مورد هر سوره ای صادر شده است، بی تناسب با موضوع آن سوره نمی باشد. به عبارت دیگر؛ روایاتی که در هر سوره ای، از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه عصمت و طهارت (علیهم السلام) وارد شده است، به عنوان خاصیت سوره، با موضوع سوره تناسب دارد.

در مورد تناسب روایت اول در جلسه گذشته مباحثی عرض شد. در این جلسه روایت دوم را مورد بررسی قرار می دهیم.

اما بحث از روایت دوم

این روایت از امام صادق (علیه السلام) است؛ حضرت می فرماید: من قرأ إذا أمسى الرحمن و الحشر و كل الله بداره ملكاً شاهراً سيفه حتى يصبح. (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۳۳۱)

کسی که سوره حشر را شبانگاه بخواند، خداوند متعال فرشته ای را موکل می کند تا آن ملک با شمشیر از خانه او محافظت کند.

تناسب این روایت با موضوع سوره این است که معمولاً افرادی که در زندگی اجتماعی شان، افراد تأثیر گذاری هستند، اینها همیشه با برخوردها و عداوتها مقابل هستند. انسانی که در فعالیتها و وظایف دینی اهتمام دارد، نمی تواند نسبت به مسائل اجتماعی بی تفاوت باشد و لاجرم باید در مسائل اجتماعی موضع گیری کند. در نتیجه با چالشهایی روبرو می شود. زیرا اگر قرار شد کسی بر اساس وظیفه شرعی اش در جامعه موضع گیری کند، ممکن است این موضع گیری در اصطکاک و برخورد با منافع عده ای باشد و آنها با چنین شخصی دشمن شوند و کسی که دشمن دارد، در هر لحظه ممکن است به وی ضربه بزنند.

بنابراین خواندن سوره حشر برای دفع آفات و دشمنی ها بسیار مؤثر است.

نکته ای در رابطه با تحلیل این روایت داریم که از این دسته روایات در مسأله حفاظت از دشمن زیاد داریم. روایات زیادی وارد شده است که خداوند متعال به خاطر خواندن سوره هایی، مردم را به صورت امداد غیبی محافظت می کند. به صورتی که اگر کسی بخواهد به وی ضربه بزند، فرشته

مسلحی را می بیند که وی را می ترساند و این همان تولید رعب در دل دشمنان است؛ به اینصورت که یا دشمن را منصرف می کند و یا در دلش رعب می اندازد.

خدا رحمت کند امام خمینی (رحمة الله علیه) را، زمانی که ایشان در نجف زندگی می کردند، منزل محل استقرار ایشان در کوچه های تاریک و خلوت قرار داشت و ایشان بدون هیچ محافظی به حرم رفت و آمد داشتند و همیشه هم سر ساعت به زیارت می رفتند. از طرفی همه دنیای کفر هم دشمن امام خمینی بودند و در پی ترور کردن امام بودند. با این حال مدت ۱۳ سال که امام در نجف بودند، اصلاً از طرف دشمن اقدامی برای حذف امام خمینی صورت نگرفت. حال یا خداوند متعال در دلشان رعب ایجاد می کرد و یا آنها را به نحوی منصرف می ساخت.

اولین آیه سوره حشر در مورد تسبیح موجودات است.

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر- 1)

بحثی که در اینجا مطرح است اینکه تسبیح موجودات یعنی چه؟

قبل از پرداختن به این نکته باید دید رابطه این آیه با آیات دیگر چیست؟ زیرا آیات دیگر این سوره در مورد مسائل اجتماعی است؟ به عبارت دیگر؛ چرا سوره ای که تمامی آیاتش در مورد مسائل اجتماعی است، با آیه تسبیح شروع و با آیه تسبیح تمام شده است؟

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر- ۲۴)

خداوند متعال در این دو آیه (آیه اول و آخر سوره) به این نکته پرداخته است که تسبیح گفتن برای خداوند متعال یک جریان مشترک بین همه موجودات است با تمام اختلافی که از حیث ماهوی و خصوصیات و کیفیت زندگی دارند.

پس باید توجه داشت این محور مشترک در موجودات باید در موجوداتی باشد که می خواهند زندگی مشترکی داشته باشند. یعنی اولین خاصیت زندگی اجتماعی برای هر جامعه ای، مسأله محوریت عبودیت و بندگی خداوند متعال است که همه انسانها در این امر مشترک هستند و این چنین جامعه ای یک جامعه الهی و قائم است؛ به صورتی که اگر چنین محور مشترکی وجود نداشته باشد، جامعه ای الهی بوجود نخواهد آمد و اگر جامعه ای هم بوجود بیاید در واقع یک زندانی است که انسانها بالاجبار با هم زندگی می کردند و در نهایت سرنوشت چنین جامعه ای، فروپاشی است.

پس وجود اجتماعی پایدار زمانی ممکن است که افراد آن جامعه بر اساس یک محور مشترک، گرد هم جمع شوند و این محور اساسی همان محور عبودیت و بندگی خداوند متعال است.

در طول تاریخ از اول خلقت تا الآن تجربه همین را ثابت می کند که دو نوع جامعه داشته ای.

یا یک جریان ظالمانه بر مردم حکمرانی می کرده است و ظاهر جامعه هم حفظ شده است ولی در واقع افراد در منتهای فقر و مرض و بدبختی و ... بسر می بردند. در حال حاضر هم در کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا هم چنین جامعه ای وجود دارد؛ زیرا چهل و پنج میلیون از افراد این کشور غذا دریافت می کنند و مردم در یک شکنجه گاه زندگی می کنند ولو که قدرت و ثروت وجود دارد ولی این ثروت در اختیار عده معدودی است.

و یا یک جریان الهی بر مردم حکمرانی می کرده است که حد مشترک افراد این جامعه عبودیت و بندگی خداوند متعال است. لذا در این سوره می بینیم خداوند متعال با تسبیح شروع کرده و با تسبیح هم سوره را ختم کرده است.

پس از پرداختن به این نکته (ارتباط آیه اول و آخر به سایر آیات سوره حشر) به بررسی آیه اولی سوره حشر می پردازیم.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر-1)

تسبیح موجودات یعنی چه؟

در اینجا چند بحث داریم.

بحث اول: تسبیح چیست؟

یک تسبیحات اربعه داریم که در نماز خوانده می شود که با سبحان الله شروع می شود و در واقع یک نظام منسجم و مشخص در مسأله خداشناسی و خداپرستی است. تسبیح در تمام اعمال عبودیتی، مقدم بر هر چیزی است. به این توضیح که؛

ذات مقدس پروردگار یکسری صفات ثبوتیه دارد و یکسری صفات سلبيه دارد. هر موجودی که انسان تصور می کند، یکسری خصوصیات را از آن موجود می فهمیم که خداوند متعال از تمامی آن خصوصیات مبری و منزّه است.

در روایتی امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: اگر یک مورچه بخواهد خداوند متعال را تصور کند، او را موجودی با خصوصیات مورچه تصور می کند.

لذا اول باید خداوند متعال را از تمامی خصوصیات و صفات سلبيه ای که به عنوان ویژگی خدا به ذهن ما می آید، منزّه کنیم. و بعد به اثبات صفات ثبوتیه پردازیم. برای همین نکته است که در تسبیحات اربعه اول سبحان الله آمده است و سپس الحمد لله که خود از صفات ثبوتیه است.

بعد از اینکه خداوند متعال را از تمامی خصوصیات و ویژگیهایی که از مخلوقات است، منزّه دانستیم و تمامی صفات ثبوتیه را در قالب الحمد لله برای خداوند متعال اثبات کردیم، می گوئیم: خدایی که این چنین است، هیچ شریکی ندارد یعنی در سلب آنچه صفات و در ثبوت اینچنین صفات، یگانه است. و در آخر نسبت همه موجودات با خداوند متعال را بیان داشته؛ آنجا که می فرماید: الله اکبر؛

یعنی هر موجودی را که با ذات مقدس خداوند متعال بسنجیم، می بینیم خدا از همه بزرگتر و قدرتمندتر است.

این است معنی تسیحات اربعه.

نکته دیگر اینکه چرا در بسیاری از آیات دیگر نیز حرف است تسیح شده است و اینگونه آیات با تسیح گفتن خداوند متعال شروع شده است و هیچ آیه ای با تحمید شروع نشده است. برای نمونه چند آیه را در اینجا می آوریم.

۱. وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ

يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ. (الرعد: ۱۳)

۲. تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا

تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا. (الإسراء: ۴۴)

۳. فِي بُيُوتٍ أذنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ. (النور: ۳۶)

۴. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ

تَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. (النور: ۴۱)

۵. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (الحشر: ۲۴)

۶. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. (الجمعة: ۱)

۷. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(التغابن: ۱)

همانطور که ملاحظه می شود، همه جا سخن از تسیح است، نه از تحمید مثلاً: گفته نشده است یحمد لله ما فی السموات و الأرض. خوب جای این سؤال وجود دارد که چنین است؟

علتش این است که هر موجودی با وجود و هستی خودش - همانطور که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۴۴ از سوره مبارکه اسراء می گوید - چند چیز را بیان می کند. یکی اینکه هر موجودی گوینده نقص خودش است مثلاً: وقتی انسان به آسمان یا سایر موجودات و مخلوقات نگاه می کند، در مرحله اول با خود می گوید: اگر این موجود اینطور می بود بهتر بود. به عبارت دیگر؛ هر موجود و مخلوقی با زبان بی زبانی می گوید: من فلان نقص را دارم؛ این یک نکته.

نتیجه نکته اول (خبر دادن از موجودی از نقائص خودش، در واقع گویای وابستگی آن موجود است و این نکته دوم است.

نکته سوم که به ذهن می آید این است که آیا این موجود در دوامش هم وابسته به چیز دیگری است یا خیر؟ و این همه نقص که در هر موجودی می باشد، در واقع گویای این مطلب است که این نقص

در خداوند متعال نمی باشد و این همان تسیح کردن موجودات است خداوند متعال را و از همین جاست که خداوند متعال در آیات مختلفی صحبت از تسیح گفتن موجودات می کند مانند: آیه ۴۴ سوره اسراء.

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا. (الاسراء: ۴۴)

از این آیه بالاتر در مورد تسیح گفتن همه موجودات نداریم. زیرا گفته شده: نیست هیچ چیزی الا اینکه خداوند متعال را تسیح می کند.

در ذیل آیه گفته شده است: وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ.

یعنی قرار نیست که همگی از تسیح گفتن موجودات مطلع شده و آنرا بشنوند زیرا که تسیح گفتن در هر موجود به حسب خودش است که در ادامه به این بحث خواهیم پرداخت.

سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه؛ آیا این تسیح تکوینی است و یا اختیاری می باشد.

در پاسخ می گوئیم: این تسیح، تکوینی نیست زیرا؛

۱. تسیح تکوینی را همه متوجه می شوند در حالی که در ذیل آیه گفته شده است: وَلَكِنْ لَا

تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ. یعنی نمی توانید به تسیح گفتن موجودات آگاهی پیدا کنید.

۲. در سوره مبارکه ص آیه هجدهم^۱ که در مورد حضرت داوود است، اینطور آمد که کوهها

به همراه حضرت داوود تسیح می گویند و این تسیح در صبحگاهان و شبانگاهان انجام

میشود. خوب از آنجا که تسیح تکوینی اختصاص به عشیه و اشراق ندارد، می توان این آیه

را دلیلی گرفت بر اینکه این تسیح، تکوینی نمی باشد.

۳. در برخی آیات مثل آیه سیزدهم سوره رعد^۲، این تسیح به برخی موجودات (رعد و ملائکه)

اختصاص داده شده است. در حالی که اگر تسیح تکوینی باشد، اختصاص به موجودی

نخواهد داشت.

۴. در سوره نور آیه چهل و یکم این مطلب خیلی واضحتر است؛ آنجا که خداوند می فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. (النور: ۴۱)

۱ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْأَشْرَاقِ.

۲ وَ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ يُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَ هُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ.

كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ

این کل همان من فی السموات الأرض است. در این آیه گفته شده: قد علم خوب گفته شده با علم دارند خداوند متعال را تسبیح می کنند. در حالی که اگر این تسبیح تکوینی می بود، علم داشتن یا نداشتن ملاک نمی بود.

۵. در آیه هجدهم سوره ص گفته شده است که کوهها با داوود تسبیح می کنند؟ خوب تسبیح داوود که تکوینی نیست بلکه اختیاری و ارادی است و با فهم و درک است. پس باید یک سنخیتی بین تسبیح کوهها و داوود باشد که این دو نوع تسبیح در کنار هم قرار داده شده اند و به همین دلیل می گوئیم: تسبیح گفتن کوهها هم تکوینی نیست.

مرحوم علامه طباطبایی یک بحث جالبی را در ذیل آیه شریفه آورده است که می توان گفت منحصر به خود ایشان است و خود یک مبنای تفسیری می باشد. ایشان می فرمایند:

تسبیح از باب تفعیل است و خصوصیت این باب این است که افعال ارادی به این باب می روند. در نتیجه افعال موجوداتی که ذی شعور می باشند به این باب برده می شوند. در نتیجه تسبیح موجودات یک نوع تسبیح ارادی است. حتی برخی گیاهان هستند که گوشت خوار هستند و به طور ارادی به صید می پردازند و نیز برخی گیاهان حسّ دارند مثلاً: برخی گیاهان به محض اینکه مورد لمس قرار می گیرد قهر می کند. البته شعور هر موجودی بحسب خودش است و به همان اندازه هم خداوند متعال را تسبیح می کند و آن هم به زبان خودش.

در قرآن خداوند متعال می فرماید: ما به سلیمان منطق طیر دادیم.

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ. (النمل: ۱۶)

نکته ای دیگر در سوره حشر به چشم می خورد و آن اینکه: چرا در آیه اول این سوره گفته شده: سَبِّحْ وَ در آیه آخر گفته شده: يَسْبِحْ؟

علت این است که خداوند متعال می خواهد بفرماید: تسبیح هم در گذشته بوده است و هم در آینده خواهد بود و استمرار خواهد داشت. و در ذیل هر دو آیه هم خداوند متعال می فرماید:

و هو العزيز الحكيم.

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (حشر- 1)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (حشر- ۲۴)

^۳ إِنْ سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَّ بِالْعَشِيِّ وَالْأَشْرَاقِ.